



رسید. این زمان برای کسب آمادگی یگان‌های ماکافی بود. یگان‌های ما در خط آماده بودند، توپخانه آماده بود. روز بیست و سوم، عراقی‌ها اولین پاتک‌شان را انجام دادند که ناموفق بودند. سه‌گردان از تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری که عراق فرستاده بود، به اضافه یک تیپ پیاده، ۷۰ درصدشان در مجموع کشته، زخمی و یا اسیر شدند. زمانی که تیپ ۴ گارد متوقف شد، لشکر ۲۶ مکانیزه را برای پشتیبانی تیپ گارد فرستادند و تا روز بیست و هشتم بهمن آخرین تلاش‌شان به سمت خاکریز ما و منطقه عمومی جاده استراتژیک و کارخانه نمک بود. وقتی در این روز هم نتوانستند کاری انجام دهند، تیپ ۳ زرهی با چند گردان نیروی مخصوص و تیپ کماندو از لشکر ۵ آخرین تلاش‌شان را انجام دادند و موفق نبودند. روز سی‌ام دیگر عراقی‌ها در منطقه تلاشی نکردند. آنها کاملاً مطمئن شده بودند که منطقه عملیات تصرف شده و به‌طور جدی آسیب‌پذیر شده‌اند.

حضور صدام در منطقه عملیاتی

صدام در قرارگاه سپاه سوم بود. او برای تقویت روحیه فرمانده تیپ‌هایی که وارد عمل شده

”

ما همه کد رمزهای عراقی‌ها را متوجه می‌شدیم؛ البته رادیو هواپیماها و هلی‌کوپترهایشان همه کد داشتند و ما سیستم کد شکن الکترونیکی داشتیم و به راحتی می‌توانستیم صدای آن‌ها را دریافت کنیم. اصطلاح‌ها، واژه‌ها و اقدامات فنی‌ای که می‌خواستند انجام دهند، لیبر و فرماندهی که هدایت می‌کرد، همه این‌ها را داشتیم و متوجه می‌شدیم

بودند، همه را تشویق می‌کرد و می‌گفت شما توانستید مقاومت کنید، محکم ایستادید، جلو دشمن را گرفتید. دشمن قصد داشت؛ مثلاً تا بصره بیاید و از آنجا به ام‌القصر برود. شما باعث شدید که نتواند این کار را انجام دهد. صدام در مدت این ۹ روز، دوبار به قرارگاه سپاه سوم رفت و آمد داشت.

مشکل کشف صحبت کردن در بی‌سیم

بیست و هشتم بهمن ماه، سرهنگ احمد علی ناصر، فرمانده تیپ ۲۳ لشکر ۸ عراق - که در این عملیات پناهنده شد - یک موضوعی را طرح می‌کند و آن کشف صحبت کردن نیروهای ما در بی‌سیم است. به همه فرماندهان یگان‌ها دستور داده شده بود که به‌صورت کشف صحبت نکنند و از دفترچه‌های کد رمز را استفاده نکنند. مخابرات دفترچه‌های کد رمز را به‌صورت ساعتی، هر ۶ ساعت یکبار، هم‌روزانه و هم‌هفتگی تهیه کرده بود. بعد این کد رمزها برحسب وضعیت منطقه عملیات و حوزه سرزمینی مأموریت

